

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Vanguard Woman

زن پیشواز

سازمان زنان هشت مارچ (ایران-افغانستان)

۲۴ فبروری ۲۰۱۵

زنان جهان برای در هم کوبیدن امپریالیست های مردسالار و بنیادگرایان مذهبی متحد شوید!

هشت مارچ دیگری در راه است. هشت مارچ روز جهانی زن، یادآور مبارزات قهرمانانه زنان کارگر نساجی در نیویورک است که سنگ بنای مبارزه متشکل زنان در ابعاد جهانی را پی ریزی کردند. هشت مارچ همچنین یادآور مبارزه و مقاومت به یاد ماندنی زنان ایران در اولین هشت مارچ بعد از به قدرت رسیدن رژیم زن ستیز جمهوری اسلامی است. رژیمی که اولین حمله خود را با فرمان حجاب اجباری و سرکوب و تشدید ستم بر زنان بنا نهاد. هشت مارچ یادآور مبارزات زنانی است که سلاح مبارزه را در مقابل این رژیم سرکوبگر به زمین نگذاشتند و در خانه و خیابان، دانشگاه و مدرسه، در زندان و.... علیه پدرسالاری، فرودستی زنان و زن ستیزی مبارزه کردند. مبارزات زنان در سراسر جهان الهام بخش ما و همه آنانی است که مصمم اند ستمگری و پایه های فرودستی را در هم کوبند. بدون شک مبارزه ای سخت و دشوار در پیش است. پیروزی و رهائی واقعی ما زنان سهل و آسان نخواهد بود و راه پر پیچ و خمی را در پیش داریم. اما موقعیت و شرایط زندگی میلیون ها زن چه در ایران و منطقه و چه در جهان به گونه ای است که دیگر نمی توان تا این حد حقارت و فرودستی را تحمل کرد.

امسال در شرایطی به پیشواز هشت مارچ می رویم که زنان در کشورهای افغانستان، عراق، لیبیا، سوریه، و... به خاطر حملات و تجاوزات امپریالیست های اشغالگر از یک سو و از سوی دیگر با رشد بنیادگرائی اسلامی در منطقه متحمل ستم های غیرقابل تصویری شده اند. جنگ افروزی ها و اشغالگری های سبعانه قدرت های امپریالیستی برای کنترل منطقه تحت بهانه های مختلف و رشد نیروهای اسلامی که در بنیادگرائی از هم پیشی می گیرند، زنان این منطقه را در موقعیتی به مراتب سخت تر و حقارت بارتر از گذشته قرار داده است. چهره خشم آگین زنان در این منطقه فریادی است بلند و فراخوانی است مبنی بر این که دیگر تحمل این شرایط ممکن نیست، بی تفاوتی در مقابل آن جایز نیست و مبارزه انقلابی و سازمان یافته برای نابودی بنیادگرایان مذهبی و قدرت های امپریالیستی پدر/مردسالار یک ضرورت عاجل است.

موقعیت زنان در افغانستان بعد از اشغال توسط قدرت های امپریالیستی نه تنها بهتر نشده است بلکه این بار از جانب دو نیروی بنیادگرای دولتی و طالبان نیز تحت وحشیانه ترین اشکال ستم قرار گرفته اند.

با اشغال عراق و جنگ در سوریه که در نهایت منجر به قدرت‌گیری دولت اسلامی (داعش) شد، زنان در منطقه به‌طور کل و به‌خصوص زنان ایزدی به شیوه ۱۴ قرن پیش به بردگی جنسی کشانده شده و خرید و فروش می‌شوند. میلیون‌ها زن در این منطقه در کشورهای عراق و سوریه، در خانه خود و یا آواره در کوه و بیابان تحت بدترین شرایط زندگی می‌کنند و از هر حق و حقوق انسانی محرومند و پیوسته تهدید به تجاوز و خشونت می‌شوند.

امسال در شرایطی به پیشواز هشت مارچ می‌رویم که زنان در کشورهای به اصطلاح پیشرفته سرمایه‌داری نیز اسیر اشکال دیگری از ستم‌گری بوده و بدن و زندگی آنان به نوع دیگری در کنترل شونیسم مردسالارانه قرار گرفته است. موقعیت زنان در کشورهای غربی علی‌رغم برابری نسبی قانونی، با وجود یک سیستم مردسالار، تبعیضات ضدزن را در عرصه‌های مختلف و ابعاد گسترده، تولید و بازتولید می‌کند. خشونت علیه زنان در اشکال گوناگون هم چون تجاوز، ضرب و شتم و خشونت خانگی در ابعاد وسیع همچنان ادامه داشته و افزایش یافته است. حق سقط جنین پیوسته با محدودیت در کشورهای مختلف روبه‌رو می‌شود. زنان در این کشورها در موقعیت فرودستی قرار دارند که هر ساله اعتراضات وسیعی از جانب آنان را بر می‌انگیزد. بدن زن در این کشورها شکل دیگری از کالاست و از این طریق کنترل و مورد خرید و فروش قرار می‌گیرد. هر ساله هزاران دختر جوان و نوجوان از طبقات محروم این کشورها و همچنین از کشورهای جهان سوم و یا کشورهای بلوک شرق سابق توسط سوداگران انسان برای بردگی جنسی اگرچه نه به شیوه داعش بلکه به شکل "مدرن" آن، به بازار سکس این کشورها وارد می‌شوند تا به عنوان برده جنسی در فاحشه‌خانه‌های کشورهای مدرن غربی مشغول کار شوند، و یا وارد "صنعت" پورنوگرافی شوند، تا فرودستی و ستم‌های ظالمانه علیه زنان به شکلی، به اصطلاح مدرن را تضمین کنند و میلیاردها دلار را نصیب سلاطین سرمایه کنند.

وضعیت زنان در سراسر جهان نشان می‌دهد، زن چه در برقع پوشیده و در مالکیت مرد قرار گیرد و یا بدن او به صورت کالا مورد خرید و فروش قرار گیرد به هر حال در موقعیت فرودست در جامعه قرار دارد و در مقابل خشونت‌های سیستم پدر/مردسالارانه شکننده است. سیستم یکی است و ستم بر زن یکی است و راهی برای دور زدن نیست. ممکن است زن‌ستیزی بنیادگرایان اسلامی هم چون رژیم جمهوری اسلامی در ایران و یا داعش به وقیحانه‌ترین شکل آن اجراء شود، اما راحل‌رهایی زنان در سیستم سرمایه‌داری مردسالار نهفته نیست چرا که این سیستم خود عامل و مبدأ عمده ادامه و تشدید فرودستی زنان در سطح جهان است.

امسال در شرایطی به پیشواز هشت مارچ می‌رویم که در ایران یورش جدی، زن‌ستیزانه و گسترده‌ای علیه زنان توسط جمهوری اسلامی ایران برنامه‌ریزی و به اجراء گذارده شده است. این یورش تنها یک سلسله اعمال سرکوب‌گرانه علیه زنان نیست بلکه اجزاء و مؤلفه‌های مختلف یک عملکرد سیستماتیک و برنامه‌ریزی شده است که در نظر دارد زنان جامعه را در موقعیت به مراتب عمیق‌تری از فرودستی قرار دهد و با نمونه‌سازی ارتجاعی این سیاست را حتی به سرتاسر منطقه گسترش دهد و با نیروهای واپس‌گرا و به غایت زن‌ستیز همچون داعش به رقابت پردازد.

طرح‌های مربوط به افزایش جمعیت و خانواده تحت نام‌های طرح جامع جمعیت، تعالی خانواده، خانواده اسلامی و محدودسازی روش‌های جلوگیری از بارداری و غیره از یک سو راه مشارکت بیشتر زنان در جامعه را محدود می‌کند و از سوی دیگر زنانی را که از میان کوهی از محدودیت‌ها و تبعیضات جنسی، وارد اجتماع شده به درون چهاردیواری خانه برمی‌گرداند. این طرح به قوانینی منجر شده است که نه تنها کلیه امکانات و بودجه‌ها برای جلوگیری از باردار شدن ناخواسته، برداشته می‌شود بلکه هر گونه اقدامی از جانب زنان جهت کنترل بدن خود و

هر گونه اقدامی جهت اداره مستقل زندگی خود به یک اقدام "غیر قانونی" منجر خواهد شد و با مجازات شلاق و زندان روبه رو خواهد بود.

در عین حال با استناد به سخنان سران نیروهای نظامی در باره این طرح به نظر می‌آید که رژیم با هدف تدارک جنگ احتمالی در عرصه منطقه، در صدد است که نیروی وسیع جنگی یعنی گوشت دم توپ را برای خود در تحولات آینده منطقه تضمین نماید و بدین وسیله قدرت چانه‌زنی در معادلات قدرت در منطقه و امکان به بازی گرفته شدن توسط امپریالیست‌ها در قطب بندی‌های منطقه‌ئی و جهانی را بیابد.

البته پشت بند این یورش طرح‌های دیگری هم چون عفاف و حجاب و همچنین محدودیت اشتغال برای زنان، تسهیل بازنشستگی قبل از موعد زنان، ایجاد محدودیت‌های متنوع در مورد تحصیل دختران و محدودیت‌های قانونی در مورد طلاق، حساب بانکی، مسافرت و... می‌باشد.

طرح "صیانت از حریم عفاف و حجاب"، طرح مربوط به "آمران به معروف و ناهیان از منکر" نه تنها به مردان خانواده بلکه به هر مأمور و وابسته به رژیم و هر عنصر عقب‌مانده ضدزنی این اجازه را می‌دهد تا کردار، رفتار و پوشش هر زنی را کنترل کند، و با پشتوانه قوانین عفاف و حجاب نقش پولیس مخصوص زنان را بازی کند. در ارتباط با همین مسأله، رژیم ارادل و اوباش مزدور خود را برای تحمیل جنبه‌های مختلف این یورش سازماندهی کرده و علاوه بر مأمورین نیروهای انتظامی، بسیج و گشت ارشاد را به جان زنان انداخته است. اسیدپاشی به صورت زنان که در چند ماه گذشته در برخی از شهرها مثل اصفهان، تهران، شیراز و تبریز رخ داده است بخشی از یورش رژیم علیه زنان و ادامه منطقی سیاست‌های زن‌ستیزانه آن و شکلی از اعمال "امر به معروف و نهی از منکر" است. لازم به یادآوری است که مبارزات زنان و مردان خصوصاً در اصفهان و عکس‌العمل توده مردم در مقابل اسیدپاشی توانست به درجاتی نقش رژیم و اهدافش را افشاء کند.

اعدام ریحانه دختر جوانی که به جرم دفاع از خود در مقابل یک متجاوز اطلاعاتی در آبان ماه [عقرب] امسال اعدام شد و انعکاس بین المللی یافت، در چارچوب همین یورش رژیم قرار داشت. رژیم با پرونده‌ای قلبی و مضحک ریحانه را روانه چوبه دار کرد، تا بدین وسیله اعلام کند، زنان جوانی که حق دفاع از بدن خود را حتی در مقابل متجاوزین به خصوص متجاوزین وابسته به حکومت را به خود می‌دهند به وحشیانه‌ترین شکلی مجازات خواهند شد.

در پس یورش وحشیانه اخیر علیه زنان، ضعف و ناتوانی جمهوری اسلامی را نیز می‌توان مشاهده کرد. روحیه سرکش و مبارزه طلب دختران جوان رژیم جمهوری اسلامی را عاجز کرده است و نشانی از یک شکست فضاخت بار برای رژیم را در خود دارد. استیصال جمهوری اسلامی نقش مهمی در این تهاجم زن‌ستیزانه و یورش وحشیانه علیه زنان دارد. همین عجز و ناتوانی و استیصال و درماندگی، ذخیره و پتانسیل مهمی برای توده‌های مردم و به خصوص زنان است که بتوانند با مبارزات متشکل خود به مقابله با این یورش ارتجاعی بپردازند.

واقعیت اینست که جنگی که از جانب جمهوری اسلامی پس از قدرت‌گیری‌اش علیه زنان آغاز شده، پایان نیافته است. یورش همه جانبه اخیر برای تشدید فرودستی زنان، تهاجمی در چارچوب جنگ کلی علیه زنان است. جمهوری اسلامی علی‌رغم قدرت نظامی و سیاسی‌اش، دارای ضعف‌های واقعی است، نظرات و افکارش متعلق به قرن‌ها پیش است. وجودش با ستم و استثمار گره خورده و ماهیتش ارتجاعی و عقب‌مانده و اتکایش زور و سر نیزه است.

در مقابل این رژیم، زنان گرچه از قدرت سیاسی و نظامی محرومند اما پویا و بالنده‌اند، پر پتانسیل و با انرژی برای رهائی‌اند. مبارزات‌شان علیه ستم، شجاعانه و سهمگین است. تنها با گسترش مبارزات متشکل و انقلابی زنان و توده‌های وسیع مردم است که می‌توان پیروز شد و بر تهاجمات وحشیانه این رژیم ضد‌مردمی پایان داد. تنها با مبارزه‌ای متشکل و پیگیر با دورنمایی روشن و هدفمند که در سرلوحه‌اش برچیدن هر نوع ستم و استثمار قرار داشته باشد می‌توان به شیوه‌ای انقلابی در جهت سرنگونی رژیم زن‌ستیز جمهوری اسلامی و امپریالیست‌های مردسالار گام برداشت. هر راه دیگری به تولید و بازتولید این نظام پدر/ مردسالار یاری خواهد رساند. ♦

سازمان زنان هشت مارچ (ایران-افغانستان)

۱۸ فبروری ۲۰۱۵

www.8mars.com